



جمال شورهچ (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهرویار بحرانی (فیلمساز)

بروین شیخ طای (فیلمساز)

نژاد میربقالی (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (استندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی فقیه (بازیگر)

ابراهیم حاتم‌کیا (فیلمساز)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (دیویدان)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

ناصر طالبیان‌زاده (کارگردان)



نگاهی به «پلنگ سیاه: واکاندا تا ابد» اطوارهای فنیشستی به شیوه مارول!

حمیدرضا ندیری

«پلنگ سیاه: واکاندا تا ابد» محصول سال‌ ۲۰۲۲ استودیوی مارول و فیلمی به کارگردانی رایان کوکлер است. این فیلم را آخرین فیلم از فاز چهارم دنیای سینمایی مارول دانسته‌اند. از بازیگران اصلی این فیلم می‌توانیم به لیتیشیا رایت، لوپیتا نیونگو، دانای گوریرا، فلورنسا کارومبا، دومینیک تورن و آنجلا باست اشاره کرد. بازیگرانی که نام بردیم، همگی سیاه پوست و مونث بوده به غیر از کارگردان که مذکر است.

مارول، استودیوی تجاری که در حالت عادی هم فیلم‌هایش با بویی از هنر نبرده یا در خدمت اهداف سیاستمداران آمریکایی بوده، حالا با غلظت بیش‌تری در خدمت فمینیسم و سیاه‌پوستان است. هرچند واضح و مبهرن است که این فیلم و فیلم‌های مشابه، نه به فکر حقوق زنان هستند و نه به فکر حقوق ضایع‌شده سیاه‌پوستان!
ا‌که اگر می‌خواست این چنین باشد، لازم نبود یک فیلم تخیلی که هیچ سختی‌با واقعیت ندارد برای زنان و سیاه‌پوستان ساخته شود! کافی بود واقعیت همان‌طور که هست به تصویر کشیده شود. چه در آفریقا و گرسنگان بی‌شماری که دارد و چه از سیاه‌پوستان آمریکایی که پلیس آنجا، زانوی خود را بر گلویشان می‌فشارد.

بیشتر مدت فیلم در زمان حال و در کشوری خیالی و مثلاً آفریقایی به نام واکاندا سپری می‌شود. که طرف آمریکایی، آن را قدرتمندترین کشور روی کره زمین می‌خواند. یعنی حتی با وجود بمب اتم‌هایی که آمریکا دارد، باز هم از واکاندای آفریقایی می‌ترسد و خطرش را برای خود حس می‌کند. بدینوسیله، آفریقا در سینما می‌شود کشوری ابرقدرت و عاری از هرگونه کم و کاستی و مشکل که در آن کشور همه مردم به خوبی و خوشی زندگی می‌کنند. حالا مشکلات آفریقا دیگر تمام شد! لازم نیست هیچ سیاه‌پوستی صدای اعتراض در واقعیت بلند شود؛ آفریقای آرمانی، چیزی که با واقعیت جور در نمی‌آید و نخواهد آمد.

پوششی که مردم واکاندا، با همان سیاستمداران و زنان قدرتمندی که امور حکومتی واکاندا را بر عهده دارند، با پوششی که مردم آفریقا در واقعیت دارند، تناسب چندانی ندارد. زنان در آفریقا اغلب لباس‌های پوشیده داشته و سنت‌های خود را گرامی می‌دارند. در حالی که در این فیلم، پوشش‌ها اغلب آمریکایی بوده و هیچ سختی‌با سنت آفریقا ندارد. اما میزسزن طوری طراحی شده که این نفوذ فرهنگی آنچنان به چشم نیاید. طرح، رنگ و زرق‌وبرق لباس‌ها طوری طراحی شده که مخاطب آن را لباس عادی مردم آفریقا می‌داند. حتی طراحی محیطی و معماری آن نیز، قدیمی بوده تا خدش‌های به این سنت وارد نشود. در فیلم، سلاح برخی از قبایل واکاندا هنوز چوبی است و هیچ بهره‌ای از تکنولوژی ندارند. و تکنولوژی قدرتمند واکاندا با این سنت چنان عجین شده که هیچ تضادی بین سنت و تجدد به وجود نیامده است.



کارکنان دولت واکاندا، دانشمندان و راهبران کشور، همگی از زنان تشکیل شده و ما کمتر جایی یک مرد می‌بینیم. بیشترین مردانی که می‌بینیم سه نفر هستند! امباکو با بازی وینستون دوک رئیس‌یکی از قبایل توطئه‌های با زور و بازو سر و کار دارد. مامور اطلاعاتی آمریکا با بازی مارتین فریمن که آن هم کار خاصی نمی‌تواند از پیش ببرد. شخصیت منفی فیلم یعنی نیومورا! بقیه همه زن هستند و امور مملکت را پیش می‌برند. ما کمتر جایی با به جرت می‌توان گفت اصلا هیچ جایی از فیلم مردی نمی‌بینیم که بتواند نقش مثبتی در روند قضایا داشته باشد. مرگ چادویک بوزمن شد بهانه‌ای برای ساخت یک فیلم فمینیستی تمام عیار به نام و عنوان یادبود او!

یک فیلم به غایت فمینیستی! یعنی حتی یک بچه پنج‌ساله هم می‌تواند شخصیت بدهد که فیلم با اهداف فمینیستی ساخته شده است. تازه نه فقط فمینیستی که مثلا خواسته با جنبش سیاه‌پوستان هم همراه باشد. مردم با یک تیر دو نشان! ولی این فیلم نه تنها هیچ واقعیتی از زندگی سخت زنان و سیاه‌پوستان چه در آفریقا و چه در آمریکا را به نمایش نمی‌گذارد، بلکه با ساختن چه‌رهای دروغین از آن‌ها، یا به فکر التیام‌بخشیدن به آنها با این قرص آرام‌بخش است. یا به فکر منحرف کردن اندهان عمومی جامعه است از واقعیتی که دارد در آن جامعه رخ می‌دهد.

تردیدنی وجود ندارد که رسانه ملی و سایر رسانه‌های متعدد کشور گاهی مجبور می‌شوند در جهت حفظ منافع ملی و رعایت مصالح عمومی جامعه و در جهت جلوگیری از سوءاستفاده دشمنان با پرهیز نمودن از ایجاد جو آس و نالمیدی در جامعه،از انتشار اخبار برخی از رخدادها اجتناب و یا به شکل گذرا از آنها عبور نموده و متقابلا در جهت امیدبخشیدن به جامعه و یا به‌منظور تقویت وحدت و انسجام ملی، به برخی از اخبار با آبوتاب بیشتری بپردازند.

این عملکرد در اکثر موضوعات، روشنی منطقی است که در تمام کشورهای جهان حتی در آمریکا و اروپا که مدعی آزادی عمل کامل رسانه‌های خود هستند نیز متداول است. برای مثال؛ هیچ‌یک از رسانه‌های غربی مجاز به انتشار صحنه‌های خونین وقایع خشونت‌بار یا حتی صحنه‌های دلخراش حوادث طبیعی و غیرطبیعی که در کشور‌هایشان رخ می‌دهد، نیستند

در بسیاری از موارد حتی انتشار اخبار اقتصادی و سیاسی از جمله؛ اخبار مربوط به مفاسد اخلاقی و اقتصادی خاندان سلطنتی در انگلیس یا اخبار مخالفت با هولوکاست در کل اروپا و آمریکا نیز با ممنوعیت و سانسور شدید خبری مواجه است و با انتشاردهندگان این نوع اخبار به شدت برخورد می‌شود.



البته این درست است که خبرگزاری‌ها و رسانه‌های بزرگ بین‌المللی قاعداً باید برای حفظ اعتبار حرفه‌ای خودشان از انتشار اخبار جعلی اجتناب کنند، اما نباید فراموش کنیم که اکثر آنها در تعامل بایکدیگر بوده تحت‌نظر نظام سلطه فعا‌لیت می‌کنند و لذا آنجا که منافع سلطه‌گران ایجاب نماید، در هماهنگی و همکاری با یکدیگر به دروغ نیز متوسل می‌شوند.

خوب است که بدانیم از پنج خبرگزاری مهم دنیا شامل؛ رويتر در انگلستان، فرانس پرس در فرانسه،

اسوسی‌تدپرس و یونایتدپرس در آمریکا و تاس در روسیه (اتحاد جماهیر شوروی سابق)، چهار مورد اول آنها اگرچه در آمریکا و اروپا مستقر هستند، اما تحت مالکیت و یا سلطه کامل صهیونیست‌ها قرار دارند.

همچنین در یکی دو سال اخیر، صهیونیست‌ها به اشکال مختلف یا مالکیت و یا کنترل پلنفرم‌هایی نظیر؛ اینستاگرام، یوتیوب، فیس‌بوک، توییتر، واتس‌پد و چند سکوی دیگر را هم بر عهده گرفته و یا به نوعی در تولید محتوا برای آنها مشارکت دارند و از اطلاعات کاربران آنها نیز سوءاستفاده می‌کنند.

بنابراین همان‌گونه که اشاره شد، با عنایت به توضیحات فوق باید توجه داشته باشیم که شعار آنها برای راست‌گویی در جهت حفظ اعتماد عمومی، عملاً ناقص و نسبی است و فقط در مورد انتشار

می‌برند، تا حتی‌المقدور هیچ سب‌رنخی از خود بجا نگذارند. به‌عنوان مثال؛ معمولاً هر کجا لازم باشد که اخباری را جعل نموده یا در مورد موضوعی به دروغگویی متوسل شوند، به سراغ مطالب و مواردی می‌روند که در کوتاه‌مدت امکان راستی‌آزمایی آنها توسط افکار عمومی جامعه و یا حتی افراد متخصص وجود نداشته باشد و در تریجا به فراموشی سپرده شوند. مرور زمان شده و تدریجاً به فراموشی سپرده شوند. ذکر این نکته نیز ضروری است، از آنجا که اکثر رسانه‌های جهان متعلق و یا وابسته به سردمداران و اربابان پنهان و آشکار نظام سلطه و سرمایه‌داری و در واقع صاحبان فاسد قدرت و ثروت است، لذا در واقع همه آنها از یک آب‌شخور مشترک تغذیه می‌شوند و به همین دلیل هنگامی که یک خبر

اخبار راست و دروغ و به‌خصوص ترکیب مطالب راست و دروغ در مورد یک رخداد نیز شگرد دیگری است که معمولاً سبب می‌شود تا مخاطبین به راحتی تمام مطالب یک گزارش خبری اعم از قسمت‌های واقعی یا غیرواقعی آن خبر را بپذیرند و از بررسی و جست‌وجوی موضوع برای تعیین صحت‌وسقم آن اجتناب نمایند، که این روش نیز مانع از خدش‌س‌دار شدن اعتبار حرفه‌ای آنها می‌شود. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است، که رعایت همین مقدار از اصول حرفه‌ای تنها توسط خبرگزاری‌ها و رسانه‌های بین‌المللی بزرگ و معروف و در نظام جمهوری اسلامی و همچنین ادعای دروغ استفاده از کودکان به عنوان نیروهای امنیتی، پنج موضوعی بودند که در این رابطه بیشترین فراوانی خبری را در رسانه‌های مذکور به خود اختصاص داده بودند.

قطعاً کسانی (اعم از کشورهای خارجی یا عناصر و مزدوران داخلی آنها) که از گذشته دور همواره به اشکال مختلف علیه این ملت و مملکت اقدام نموده و پس از انقلاب نیز دست از خیانت و خیانت‌خود برنداشت‌ه و با انواع توطئه‌ها، از جمله؛ جنگ تحمیلی، آشوب و اغتشاش، شبیخون فرهنگی، تهدید، تخریب، ترور و تحریم (حتی تحریم دارویی) و سایر اقدامات مردم و مستولین ما را تحت فشار قرار داده‌اند، دوست ما نیستند و به هیچ وجه نمی‌توانند قابل اعتماد باشند.



هیچ اخبار و اطلاعات دروغی فروگذار نمی‌کنند، بلکه به خیرسازی جعلی نیز مبادرت می‌نمایند. در این رابطه مرکز افکار‌سنجی خبرگزاری فارس بر اساس پیمایشی که انجام داده می‌نوسد؛ بررسی عملکرد ۵ رسانه بی‌بی‌سی فارسی، ایران اینترنشنال، صدای آمریکا، رادیو فردا و من‌وتو و صفحات مجازی آنها نشان می‌دهد این رسانه‌ها در جریان ۴۶ روز اغتشاشات (۲۳ شهریور تا ۹ آبان) مجموعاً ۳۸۰۰۳ دروغ (یعنی هر صد ثانیه یک دروغ) را دربار‌ه حوادث اخیر ایران منتشر کرده‌اند که این تعداد بجز مواردی

احمدرضا هدایتی

(حتی یک خبر کاملاً جعلی) به‌طور هم‌زمان (معمولاً با تفاوت‌های جزئی) توسط همه یا اکثر آنها منتشر شود، خودبه‌خود برای همه مخاطبان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای یک خبر تأیید شده تلقی می‌گردد. نکته قابل تأمل در این رابطه این است که از نظر همین رسانه‌ها، دروغ خبری هر چقدر بزرگ‌تر و عجیب‌تر و به اصطلاح شاخدارتر باشد، برای افکار عمومی و افراد غیرحرفه‌ای باورپذیرتر خواهد بود. شگرد دیگر آنها این است که ابتدا اخبار جعلی موردنظر خود را منتشر می‌کنند و برای حفظ ظاهری اعتبار حرفه‌ای خود، پس از مدتی خبر را حذف و منبع خبری ناشناخته‌ای را به ارسال خبر مذکور متهم و عذرخواهی می‌کنند و این در حالی است که گفته می‌شود، اثری که یک خبر جعلی

(مخصوصاً چنانچه اصطلاحاً از نوع شاخدار آن باشد) در ذهن مخاطب بر جای می‌گذارد، هر گز با تکذیبیه آن خبر از بین نمی‌رود، چرا که اولاً ممکن است شونده یا بیننده آن خبر هیچ‌گاه تکذیبیه را نبیند و یا بزرگ‌نمایی و ش‌س‌اخ و برگ بیش‌تری آن را در فضای مجازی منتشر یا در محافل عمومی یا جمع خانوادگی بازگو نماید و ثانیاً برخی افراد جامعه با تصور این‌که ممکن است تکذیب ناشی از ملاحظاتی (اعم از سیاسی یا غیرسیاسی) بوده باشد، دیگر تکذیبی آن را نمی‌پذیرند. بیان هم‌زمان و حرفه‌ای

تأملی بر فیلم «زرنگ‌بازی (hustle)» نمایش رؤیای آمریکایی در زمین بسکتبال

آرش فهیم

هر ساله تعداد قابل توجهی فیلم ورزشی در هالیوود تولید می‌شود. برخلاف سینمای ایران که معمولاً نسبت به ظرفیت‌ها و اتفاقات خوب و غرورآفرین ورزشی بی‌توجه است، سینمای آمریکا به ورزش به عنوان عرصه‌ای مهم و راهبردی رو نشان می‌دهد. همین امسال، چند فیلم ورزشی در هالیوود تولید شد و به نمایش درآمد که همه آنها از نظر محتوایی تأمل برانگیز هستند، اما یک نگاه در اغلب این نوع آثار برجسته است. فیلم «hustle» که آن را به «زرنگ بازی» ترجمه کرده‌اند یکی از این آثار است. این فیلم محصول ۲۰۲۲ آمریکالست و به کارگردانی جرمیا زاگر و با فیلم‌نامه تیلور ماترن و ویل فیتزجر تولید‌ه و بازیگرانی چون آدام سندلر، کوبین لطفیه، بن فاستر، خوانجو هرنانگومز، رابرت دووال، آنتونسی اودرز در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. فیلم «زرنگ بازی» توسط نتفلیکس منتشر شده و امتیاز ۷٫۱ از ۱۰ را دریافت نموده است.

داستان فیلم «زرنگ بازی» درباره استنلی (آدام سندلر) یک استعدادیاب برای NBA (اتحادیه ملی بسکتبال آمریکا) است که از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر در سفر است تا استعداد‌های گمنام را کشف و معرفی کند. او که در استخدام یک باشگاه مهم است از طرف مدیر جدید این باشگاه که مدیریت را از پدرش ارث برده، تحت فشار است تا بازیکن جدیدی را به تیم اضافه کند.

وی در این مسیر به یک جوان اسپانیایی به نام «بو کروز» (با بازی خوانجو هرنانگومز) بر می‌خورد و در تلاش است تا او را به NBA برساند. بو کروز که دارای سوء سابقه است و در مقابل جنگ روانی رقیبانش نمی‌تواند خونسردی خود را حفظ کند و از کوره در می‌رود، ابتدا از سوی مدیران اتحادیه ملی بسکتبال آمریکا مردود می‌شود، اما در نبرد رسانه‌ای تمام عیاری را علیه سیاست‌ها و سلطه گرایانه آمریکا و اروپا در عرصه سینما و رسانه آغاز کرده‌اند؛ از طرفی هم بی‌بند و باری، آلودگی، فساد، پوچ‌گرایی، فرهنگ‌ی دور… در جشنواره‌های سینمایی کن، برلین، ونیز و مراسم اسکار… نشان از رسوایی سردمداران و حامیان این جشنواره‌ها دارد و نشان می‌دهد که این جشنواره‌ها در خدمت نظام سلطه و استکباری برای ضربه زدن به ملت‌های مظلوم جهان هستند و در واقع الان به پوچی و بن بست رسیده‌اند. این در حالی است که «جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت» با صلابت و بی‌شتری و پویاتر و با بیباری ملت‌های آزاده جهان همراه هست و می‌رود که با ایجاد فضای همدلی، اتحاد و روحیه مبارزه طلبی علیه مستکبرین جهان، مسیر خود را پیدا کند. امروز در واقع مردم مظلوم فلسطین، مردم رنج کشیده سوریه و مردم مبارز لبنان و دیگر ملت‌های آزاده جهان

فلسطین و حمایت‌های همه‌جانبه همه مسلمانان جهان، رژیم کودک کش صهیونیستی نابود خواهد شد و آزادی فلسطین را شاهد خواهیم بود که بسیار نزدیک است، آرمانی که از اهداف این جشنواره است و ان‌شاءالله تحقق خواهد یافت. اما آنچه درمسیر بالندگی و شکوفایی جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت باید اذعان کرد این است که استکبار جهانی بخصوص آمریکا و هم پیمانانش هرسال نگران برگزاری این جشنواره بوده و از برگزاری آن در وحشت و اضطراب هستند. چون که با شعار «گفتمان مقاومت، نهضت جهانی

صفحه ۸

یکشنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۱

۱۹ شعبان ۱۴۴۴ – شماره ۲۳۲۶۲



است که توسط شبکه‌های تلویزیونی آنها منتشر شده است…

ادعای دروغ حمله نیروهای امنیتی به مدرسه شاهد اردبیل و بازداشت ۱۹ دانش‌آموز و جان باختن یک نوجوان به دلیل خونریزی داخلی، ادعای دروغ کشته شدن ۳۴ کودک در اغتشاشات اخیر توسط پلیس، ادعای دروغ فرار مقامات جمهوری اسلامی ۵ پرواز روزانه به خارج از کشور، انتساب دروغ عملیات تروریستی شاهچراغ و اتفاقات زندان اوین به نظام جمهوری اسلامی و همچنین ادعای دروغ استفاده از کودکان به عنوان نیروهای امنیتی، پنج موضوعی بودند که در این رابطه بیشترین فراوانی خبری را در رسانه‌های مذکور به خود اختصاص داده بودند.

قطعاً کسانی (اعم از کشورهای خارجی یا عناصر و مزدوران داخلی آنها) که از گذشته دور همواره به اشکال مختلف علیه این ملت و مملکت اقدام نموده و پس از انقلاب نیز دست از خیانت و خیانت‌خود برنداشت‌ه و با انواع توطئه‌ها، از جمله؛ جنگ تحمیلی، آشوب و اغتشاش، شبیخون فرهنگی، تهدید، تخریب، ترور و تحریم (حتی تحریم دارویی) و سایر اقدامات مردم و مستولین ما را تحت فشار قرار داده‌اند، دوست ما نیستند و به هیچ وجه نمی‌توانند قابل اعتماد باشند.



به همین دلیل اگر اعتماد به القاتات و اخبار جعلی رسانه‌هایی که در دشمنی آنها با ایران اسلامی و جهان اسلام تردیدی وجود ندارد، ناشی از غرض‌ورزی و یا جاهل و نادانی افراد نباشد، حتماً بر‌انصافی آشکاری است که آثار و پیامدهای زیانباری مانند؛ بدبینی می‌دلیل و افراط‌گونه نسبت به مسئولین، ناامیدی جامعه نسبت به آینده و تشدید تهدیدات و خدای ناخواسته در نهایت آشوب و اغتشاش مجدد و توقف روند رو به رشد کشور را در پی خواهد داشت.

است جوانان شبیه به قبایل بدوی که با هم می‌جنگند به تصویر کشیده شده‌اند.

بو کروز شبیه به انسانی بی‌تمدن و ابتدایی است که استنلی به سختی او را رام می‌کند. حتی خانواده بو کروز نیز برخلاف خانواده کاراکترهای آمریکایی فیلم، وضعیت رقت‌بار دارند؛ مادرش در مقابل کودکان الفساف غیراخلاقی به کار می‌برد و پدرش هم خانواده را ترک کرده است.

بو کروز که در کشور خودش هیچ شانس‌ی برای شکوفایی استعدادش نمی‌یابد، در نهایت به سرزمینی که فیلم «زرنگ بازی» آن را سرزمین رویاه‌ها معرفی می‌کند مهاجرت می‌کند، به شهروندی مودب و متمدن تبدیل می‌شود و فرصت بروز استعداد و موفقیت را می‌یابد.

این فیلم، هم ترویج اتحادیه ملی بسکتبال آمریکلست، هم ترویج برتری نژادی آمریکاییان و معرفی آنها به عنوان عاملان تربیت و پرورش دیگر ملت‌هاست و هم ترویج رویای آمریکایی!

این نوع نگاه در فیلم «Ris» (پیشرفت) هم حاکم بود. آن فیلم هم مانند فیلم «زرنگ‌بازی» در جهت معرفی آمریکا و آمریکاییان به عنوان متجانب جهان بشری است. چه، به زعم این فیلم، نوجوانان مستعد آفریقایی تبار در هیچ کجای دنیا حتی در قلب اروپا فرصت خودنمایی و بروز استعداد‌های خود را نمی‌یابند، مگر در آمریکا!



در ایسن فیلم برخلاف آمریکا که کشوری تماماً پیشرفته و مرفه نمایش داده می‌شود، کشوری دیگر (اسپانیا) به طور کامل مخروبه و بی‌تمدن است.

در اسپانیای نمایش داده شده در «زرنگ بازی» مردمی نیمه متوحش و خشن را می‌بینیم که سر پول به هم رحم نمی‌کنند، در سکانسی که مسابقه خیابانی



جشنواره فیلم مقاومت قلیلیت آن را دارد که به نوعی آن دسته از سینماگران که به نظام استکباری و به‌ویژه آمریکا «ه» می‌گویند را جذب خودش کند. بنابراین حضور آثار سینمایی با موضوع مقاومت از هسان مورد حضور حساسی مردم در صحنه است که استکبار جهانی از آن وحشت دارد. لذا کار جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت امروز برای اهالی سینمای ایران بسیار با اهمیت و مهم هست چرا که ما در مقطع مبارزه با استکبار جهانی

جشنواره فیلم مقاومت و گفتمان جهانی مقاومت

رسول شمالی ورزنده

به‌خصوص آمریکا و ازنايش در همه ابعاد از جمله سینما قرار داریم و لذا می‌بایست با تمام قدرت و توان و استعداد خودمان در این صحنه جدید مبارزه با استکبار وارد شویم تا «جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت» همچنان با صلابت و قدرت به فعالیت خود ادامه داده و موجب شکست کامل نظام سلطه، نابودی اسرائیل، آزادی سرزمین‌های اشغالی، رهایی همه مستضعفین جهان از زیر سلطه مستکبران و برپایی نهضت جهانی مستضعفین با زبان سینما شود.